

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۵۸ - ۱۳۷

جلوه‌های ظهور جرم انگاری امنیت مدار در جرائم علیه امنیت در حقوق کیفری ایران

حسین رضائی تودشکی^۱سید محمود مجیدی^۲محمدجواد باقی زاده^۳

چکیده

امنیت‌گرایی یکی از برساخت‌های ناروایی است که بر پیکره‌ی سیاست جنایی تحمیل می‌گردد و به معنای روند انحرافی در تشکیل یک فرایند پاسخ‌دهی به پدیده‌ی مجرمانه است. امنیت‌گرایی سیاست جنایی می‌تواند معیاری برای تمیز یک سیاست جنایی کارآمد و مطلوب از یک سیاست جنایی ناکارآمد و نامطلوب باشد؛ در نتیجه سیاست جنایی هر جامعه می‌بایست برای جرم‌انگاری و خلاف قاعده دانستن اعمال و اقدامات افراد که تا پیش از این مباح تلقی می‌شدند، توجیه مناسب ارائه دهد. مقاله حاضر به روش توصیفی - تحلیلی تدوین شده است. در این مقاله سعی شده است به این پرسش مهمترین مختصات جرم انگاری امنیت مدار در حقوق کیفری ایران کدام است؟ پاسخ مناسب داده شود. بنظر می‌رسد مهمترین مختصات جرم انگاری امنیت مدار در حقوق کیفری ایران شامل جرم انگاری اندیشه مجرمانه، جرم‌انگاری اعمال مقدماتی، ابهام‌سازی تقنینی و جرم‌انگاری‌های نوین نیز می‌باشند. هدف از مقاله حاضر تشریح جلوه‌های گرایش به جرم انگاری تهاجمی در حقوق کیفری ایران می‌باشد.

واژگان کلیدی

جرم انگاری، حقوق کیفری، امنیت مدار، جرایم علیه امنیت.

۱. دانشجوی دکتری، حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

Email: rezaiee.hossein@yahoo.com

۲. عضو هیات علمی و استادیار، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: majidi@du.ac.ir

۳. عضو هیات علمی و استادیار، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

Email: baqizadeh@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰

طرح مسأله

حقوق کیفری به منظور حمایت از ارزشهای اساسی اعمال مجرمانه را معین می‌کند. در این راستا گاهی قانونگذار در چارچوب منطقی و با در نظر گرفتن ارزشهای مورد قبول جامعه به جرم انگاری اقدام می‌کند. اما همواره این چنین نیست چرا که بعضاً اعمالی جرم انگاری می‌شوند که در جامعه مباح تلقی می‌شوند. در این حالت با جرم انگاری حداکثری یا امنیت مدار روبرو هستیم. یکی از جلوه‌های مهم جرم انگاری امنیت مدار در حوزه جرائم علیه امنیت است به گونه‌ای که جرم انگاری حداکثری به روشنی در آن آشکار است. از آنجا که نوع و شیوه قانون گذاری می‌تواند دامنه مداخله حقوق کیفری به بهانه حفظ نظم و امنیت عمومی را توسعه دهد، از اینرو چنین شیوه‌ای زمینه را برای محدود کردن حقوق شهروندی و آزادی‌های مشروع افراد فراهم می‌سازد.

هدف اصلی از ارائه مقاله حاضر ترسیم جلوه‌های امنیتی شدن جرائم امنیت مدار در حقوق کیفری ایران است. شیوه نگارش توصیفی تحلیلی می‌باشد. سئوالاتی که در اینجا مطرح می‌شوند عبارتند از: مهمترین مختصات جرم انگاری امنیت مدار در حقوق کیفری ایران کدام است؟ ۲- سیاست کیفری ایران از کدام تکنیک‌های ناظر بر جرم انگاری امنیت مدار غفلت کرده است؟ بنظر می‌رسد؛ ۱- مهمترین مختصات جرم انگاری امنیت مدار در حقوق کیفری ایران شامل جرم انگاری اندیشه مجرمانه، جرم انگاری اعمال مقدماتی، ابهام سازی تقنینی و جرم انگاری‌های نوین نیز می‌باشد. ۲- سیاست کیفری ایران از تکنیک‌های جرم انگاری مستقل معاونت در جرایم علیه امنیت و جرم انگاری به صورت مطلق و جرم انگاری با اکتفاء به سوء نیت عام بهره‌ای نبرده است. جرم انگاری امنیت مدار با تکیه بر گسترش رکن قانونی در شیوه جرم انگاری ناظر بر جرائم تبلیغ علیه نظام، همکاری با دول متخاصم، بغی و افساد فی الارض قابل مشاهده است. جرم انگاری امنیت مدار با تکیه بر گسترش دامنه رکن مادی در موارد توسعه در موضوع، بزه دیده و بزه‌کار جرم، جرم انگاری مطلق و اعمال مقدماتی و نیز جرم انگاری مستقل معاونت قابل مشاهده می‌باشد. جرم انگاری امنیت مدار با تکیه بر گسترش دامنه رکن معنوی نیز در جرم انگاری با اکتفاء به سوء نیت عام، جرم انگاری اندیشه مجرمانه و جرم انگاری جرائم غیر عمدی جرائم علیه امنیت قابل ملاحظه است. علاوه بر این جلوه‌های جرم انگاری حداکثری، با ارائه مثال‌های مختلف در حقوق ایران ارائه شده است. راهکارهایی که نشانگر شکل گیری سیاست تنبیهی و غیر ملایم و امنیت مدار قانونگذار ایران در قبال جرائم خطر آفرین علیه امنیت عمومی و حاکمیت سیاسی می‌باشد. در هر صورت سیاست کیفری ایران از برخی راهکارها چون جرم انگاری مستقل معاونت، کاربرد قیود حداقلی با اکتفاء به سوء نیت عام، تمایلی نداشته است.

۱- بازشناسی مفاهیم

۱-۱- جرم انگاری

فرایند جرم انگاری همواره متأثر از عوامل مختلفی چون مبانی نظری و مورد قبول حکومت و ملاحظات سیاسی و عقیدتی حاکم بر جامعه است. وجود چنین عواملی مانع از آن نیست که جرم انگاری از منابع فراملی نیز تاثیر بپذیرد. (مجیدی، ۱۳۹۳، ص ۳۹-۴۰)

۱-۲- جرم انگاری امنیت مدار

امروزه، امنیت در شمار اصلی ترین ارزشهایی است که انسان اجتماعی و ایدئولوژیهای سازمان دهنده تفکر و شیوه عمل انسان، برای ایجاد و تضمین آن برنامه ریزی و از ابزار حقوق کیفری برای تنظیم نوع و چگونگی واکنش در قبال نقض آن بهره می برند. حال اگر عملکرد سیاست تقنینی یک جامعه تحت عنوان جرم انگاری، از حدود نرمال و متعارف خود خارج شده و دامنه مداخله و پیشروی حقوق کیفری را در قلمرو اعمال مباح افراد گسترش دهد و یا با محدود کردن منطقه آزاد رفتاری، سبب توسعه منطقه کنترل شده رفتاری شود، سخن از جرم انگاری حداکثری یا امنیت مدار پیش می آید. (هوساگ، ۱۳۹۰، ص ۲۶) باز خورد و آثار عملی این نگرش به پدیده‌ی مجرمانه در راستای اهداف امنیت‌گرایانه و در بستر اجتماع، تعاملات میان حکومت و جامعه مدنی را به سطح حداقلی تنزل می‌دهد و به شدت مداخله‌ی نظام اجتماعی و مشارکت آن در سیاست جنایی را به حاشیه می‌راند و از این طریق پاسخ‌های کیفری سرکوب‌گر به‌عنوان اهرم و بازوی اجرایی تأمین امنیت، بر پیکره‌ی نظام عدالت کیفری تحمیل می‌گردد. لذا سیاست جنایی امنیت‌گرا، رسالت اصلی خود را در مقابله با بزه‌کاران دشمن که بیگانه محسوب می‌شوند بازتعریف می‌کند. با این تفاسیر آنچه حاصل می‌گردد رویکرد مطالعاتی نوینی است که پذیرش خواسته یا ناخواسته‌ی مفهوم «امنیت‌شناسی» را به دنبال دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱، ص ۱۴)

امنیت‌گرایی یکی از برساخت‌های ناروایی است که بر پیکره‌ی سیاست جنایی تحمیل می‌گردد و به معنای روند انحرافی در تشکیل یک فرایند پاسخ‌دهی به پدیده‌ی مجرمانه است. امنیت‌گرایی سیاست جنایی می‌تواند معیاری برای تمیز یک سیاست جنایی کارآمد و مطلوب از یک سیاست جنایی ناکارآمد و نامطلوب باشد؛ چراکه سیاست جنایی نامطلوب در آینده‌ای دور یا نزدیک، با بحران جدی و انسداد روبه‌رو خواهد شد. لذا امنیتی‌شدن سیاست جنایی، بستری برای ارزیابی سیاست‌های جنایی از این حیث است که یکی از اهداف پرداختن به این موضوع را جلوه‌گر می‌سازد. (قناد، اکبری، ۱۳۹۶، ص ۴۲-۴۳) به این ترتیب دل‌نگرانی دولتها برای تأمین امنیت شهروندان و قربانیان بالقوه بزهکاری، محور مطالعاتی بعضی جرم‌شناسان را نیز متأثر کرده و آنان را به سمت مطالعات امنیت با تکیه بر برنامه‌ها و اقدام‌های کنشگران

پلیسی - امنیتی سوق داده است. این تغییر رویکرد آرایش و جهت‌گیری‌های سیاست جنایی را نیز تحت الشعاع خود قرار داده است، چنانکه تضمین امنیت حقوقی - قضایی، یعنی رعایت حقوق و آزادی‌های شهروندان و حقوق مظنون، متهم و مجرم تحت الشعاع تضمین امنیت جسمانی و مالی شهروندان و نظم عمومی (حقوق کیفری امنیت مدار) قرار گرفته و پیشگیری اجتماعی از بزهکاری به تدریج جای خود را به پیشگیری محدود کننده وضعی از جرم می‌دهد (جرم‌شناسی امنیتی) (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱، ص ۱۶)

۱-۳-۱- ویژگی‌های جرم‌انگاری امنیت مدار

۱-۳-۱- اعمال صلاحیت فراملی

توسعه صلاحیت محاکم و قوانین داخلی یک کشور نسبت به برخی از جرائمی که علیه منافع عالیه آن کشور در خارج از قلمرو سرزمین صورت می‌گیرد به «صلاحیت واقعی» قوانین کیفری معروف است که عده‌ای از نویسندگان حقوقی از آن به اصل حمایت یا حافظتی هم نام می‌برند.

بر اساس ماده ۵ ق.م.ا. ۱۳۹۲: «هر ایرانی و یا غیر ایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم زیر با جرایم مقرر در قوانین خاص گردد، طبق قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود و هر گاه رسیدگی به این جرایم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منتهی شود، دادگاه ایران در تعیین مجازات‌های تعزیری، میزان محکومیت اجراشده را محاسبه می‌کند» با توجه به ماده ۵ قانون مجازات اسلامی می‌توان وقوع جرم در خارج از کشور، ارتکاب جرایم مهم علیه امنیت و آسایش عمومی مذکور در این ماده را از شرایط اصلی اعمال صلاحیت واقعی در حقوق کیفری ایران تلقی نمود. قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ و بر خلاف قوانین جزایی سال‌های ۶۰ و ۷۰، گرایش به اجرای «نظریه احتساب مجازات‌های قبلی در هنگام اجرای اصل صلاحیت واقعی پیدا نموده است. مطابق این نظریه دولت‌ها در هنگام اعمال صلاحیت واقعی، باید محاکمه قبلی مرتکب جرم را در کشور محل وقوع جرم مورد نظر قرار داده و اگر وی در آن‌جا دوران مجازات خود را به خاطر همین اعمال سپری نموده، ضروری است که مجازات اجرا شده قبلی را از مجازات فعلی کسر نماید.

۱-۳-۲- رسیدگی در مراجع اختصاصی

در حقوق ایران رسیدگی به جرایم علیه امنیت در دوران قبل و پس از انقلاب به صورت عمده در صلاحیت محاکم اختصاصی می‌باشد. اصل ۱۷۲ قانون اساسی در این خصوص بیان می‌دارد: «برای رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندرمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌شود»

گردد ولی به جرایم عمومی آنان یا جرایمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود». علی‌رغم بیان قانون اساسی در این زمینه به تدریج تصویب قوانین عادی، زمینه به وجود آمدن محاکم اختصاصی دیگری را نیز به وجود آوردند. و به موازات آن صلاحیت محاکم نظامی نیز به تدریج افزایش یافت.

۱-۳-۳- جرم انگاری مستقل معاونت از جرم

معاونت در جرم بر مبنای رویکرد عاریه‌ای یا استقلالی مورد پذیرش نظامهای حقوقی واقع شده است و بسیاری از کشورها جرم انگاری عمل معاون را بر مبنای رویکرد عاریه‌ای پذیرفته‌اند. در سیاست کیفری ایران، قانونگذار به صورت پراکنده در مواد قانونی مختلفی در مورد جرم انگاری معاونت سخن گفته است؛ همانند ماده (راهنمایی به سقط جنین) موضوع ماده ۶۲۳ق.م.ا. و (تحریک به جنگ و قتال) موضوع ماده ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی به صورت مستقل از معاونت جرم انگاری کرده است.

۱-۳-۴- جرم انگاری اندیشه مجرمانه

بنابر اصول کلی حقوق جزا، اصل بر این است که اندیشه و قصد مجرمانه صرفاً قابل مجازات نبوده و قانون باید قبل از هرگونه مداخله کیفری، وجود یک نمود عینی و خارجی از چنین اندیشه و قصدی را احراز نماید لکن در مواردی که تصمیم مجرمانه بین دو یا چند نفر مشترک است و تبعات و مفاسد زیانباری برای نظم و امنیت جامعه علی‌الخصوص حقوق حاکمیت به همراه داشته باشد، صرف همین تصمیم، می‌تواند در قلمرو مداخله حقوق کیفری قرار می‌گیرد. در این زمینه در حقوق کیفری ایران، تبانی برای ارتکاب جرایم علیه امنیت کشور موضوع ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی است.

۱-۳-۵- جرم انگاری اعمال مقدماتی

اصل کلی بر این است که این مرحله مطابق با اصول کلی حقوق جزا و احترام به حقوق و آزادیهای افراد در قلمرو حقوق کیفری قرار نگیرد. به بیان دیگر کنشهای افراد تنها زمانی که وارد مرحله اجرایی جرم شوند، قابل تعقیب و مجازات هستند. اما گاهی قانونگذار بنا بر دلایل و مصالحی، اعمال مقدماتی را در موارد خاصی واجد وصف مجرمانه دانسته و برای آن مجازات تعیین کرده است. در این زمینه می‌توان به موضوع مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ قانون مذکور (تشکیل یا اداره دستجات غیرقانونی یا عضویت در آنها و ماده ۵۶۳ (ورود به مواضع امنیتی) اشاره نمود. این اقدام تقنینی از آن جهت می‌تواند اهمیت داشته باشد که از دیرباز، ممنوعیت اعمال مجازات بر اندیشه مجرمانه و اعمال مقدماتی، در زمره قواعد عمومی محسوب شده است.

۱-۳-۶- جرم انگاری به صورت مطلق

جرایم از لحاظ لزوم یا عدم لزوم حصول نتیجه مجرمانه به دو دسته جرایم مطلق و مقید تقسیم می‌شوند. جرایمی که برای مقنن اهمیت زیادی داشته، در زمره جرایم مطلق قرار گرفته و جرایم دارای اهمیت کم تر، مقید به تحقق نتیجه مجرمانه از سوی قانونگذار خواهند شد. بر همین مناسبت که فرایند جرم انگاری در اغلب جرایم علیه اشخاص و اموال به صورت مقید و در جرایم علیه امنیت، به صورت مطلق صورت می‌گیرد در این زمینه می‌توان به ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی با عنوان تبلیغ علیه نظام اشاره نمود که صرف تبلیغ علیه نظام با تحقق شرایط آن، برای محقق شدن جرم مذکور کافی و نیاز به تحقق نتیجه خاصی نیست. همچنین می‌توان به موضوع مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ قانون مذکور (تشکیل یا اداره دستجات غیرقانونی یا عضویت در آنها)؛ ماده (۵۰۳) و (۵۰۴)؛ ماده (۲۸۷) و بسیاری از موارد دیگر اشاره کرد که قانونگذار برای تحقق این جرایم، نتیجه مجرمانه خاصی را در نظر نگرفته است. بر این اساس اقدام قانونگذار در تصریح بر مقید بودن جرم محاربه در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی برخلاف چنین سیاستی تحلیل می‌شود. این اقدام قانونگذار درحالتی صورت پذیرفت که رجوع به نظرات فقهی فقهای امامیه نشانگر آن است که بزه محاربه از سوی اکثریت آن‌ها مطلق بوده و صرف ابراز عملی از سوی مرتکب جرم که به قصد ایجاد ترس و ارباب عمومی باشد و یا بتواند نوعاً و غالباً رعب و وحشت ایجاد کند، کافی خواهد بود.

۱-۳-۷- جرم انگاری با اکتفا به سوء نیت عام

روش دیگر مرتبط با رکن روانی در راستای سیاست جرم انگاری امنیت مدار، آن است که تنها به لزوم تحقق سوء نیت عام در جرم انگاری جرم مربوطه اکتفاء شود تا بدین طریق دامنه شمولی جرایم گسترش یابد لیکن در حقوق کیفری ایران کاملاً سیاستی متفاوت در این زمینه حاکم می‌باشد. از این رو در ارتباط با جرم جمع آوری اطلاعات طبقه بندی شده موضوع ماده ۵۰۵ قانون مجازات اسلامی علاوه بر سوء نیت عام، وجود سوء نیت خاص قصد بر هم زدن امنیت عمومی نیز ضروری دانسته شده است. درباره انتقال اطلاعات به افراد فاقد صلاحیت موضوع ماده ۵۰۱ قانون مجازات اسلام نیز علاوه بر ضرورت اقدام عمدی مرتکب در جهت انتقال و تسلیم اطلاعات (سوء نیت عام) قصد جاسوسی (سوء نیت خاص) نیز ضروری است.

۱-۳-۸- ابهام سازی تقنینی

در حقوق کیفری ایران در بسیاری از مواد قانونی، قانونگذار به دلیل استفاده از عناوین کلی و ابهام زا، زمینه توسعه در دامنه شمولی مواد قانونی را فراهم آورده است. ابهامات تقنینی موجود در مواد ۵۰۰ تبلیغ علیه نظام، ۵۱۵ سوء قصد به جان مقامات سیاسی، و نیز ماده ۶۳۸

روابط نامشروع قانون مجازات اسلامی در زمره این موارد محسوب می گردد.

۱-۳-۹- جرم انگاری نوین

از جمله راهکارهایی که می توان باتکیه بر آن زمینه توسعه و گسترش دامنه جرم انگاری رافراهم کرد، اقدام به جرم انگاری های جدید در جرایمی است که ضرورت آن ها از سوی قانونگذار احساس می شود. از طرف دیگر از دیدگاه جرم شناختی، جرم انگاری یا جرم تلقی کردن قانونی فعل و یا ترک فعل، فرایندی است که به وسیله آن رفتارهای جدید، به موجب قوانین کیفری مشمول قانون جزا می شوند (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۷، ۸۶) در حقوق کیفری ایران با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، قانونگذار به وضع جرایم جدیدی در حوزه جرایم علیه امنیت اقدام کرده است. اهتمام مقنن ایرانی به حفظ حقوق حاکمیت، ثبات سیاسی و امنیت عمومی، سبب شده تا دو عنوان مجرمانه " افساد فیالارض " و " بغی " در قانون مجازات اسلامی جدید، مورد جرم انگاری مجزا واقع شوند.

۱-۴- تورم تقنینی

تورم در لغت به آماس کردن، ورم کردم، آماس و ورم معنا شده است. (معین، ۱۳۵۳، ص ۱۱۶۴) همچنین به معنای باد کردن نیز آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۱۱۰۸) تورم بیشتر در مفهوم اقتصادی آن کاربرد دارد و در سایر علوم کاربرد چندانی ندارد و در صورتی که کاربرد هم داشته باشد، چندان عام و رایج نیست. به نظر می رسد با توجه به معنای لغوی واژه تورم که در فرهنگ فارسی به آماس کردن معنا شده، می توان گفت که به کارگیری این واژه در سایر علوم اقتصادی مانع استعمال آن در سایر علوم نیست. در علم حقوق کیفری نیز که اصطلاح پیچیدگی قوانین و ازدیاد قوانین را می توان به کار برد و حجم بالای مجموعه قوانین، اعم از حقوقی و کیفری خود زبان گویای این مسئله می باشد، کاربرد واژه تورم را در علم حقوق کیفری بلاشکال می سازد. اگرچه برای حفظ جامعه وجود قانون کیفری ضروری است، ولی تدوین و تصویب این مقررات به لحاظ ارتباطی که با آزادی افراد دارد، باید با نهایت دقت و ظرافت صورت پذیرد، زیرا هر جرم انگاری برابر است با محدود شدن گستره آزادی های افراد در جامعه، که این امر با توجه به فطرت بشر که خواستار آزادی از قید و بند و رهایی از محدودیت است، در تضاد و تعارض می باشد. لذا تدوین قانون کیفری باید آخرین راه حل باشد نه اولین راه حل، همچنانکه عمل جراحی برای یک بیمار به عنوان آخرین راه چاره برگزیده می شود. (حبیب زاده، نجفی ابرندآبادی، کلانتری، ۱۳۸۰، ص ۶۰) تحدید آزادی ها موجبات اعتراض را فراهم می آورد که به ضرر حکومت و جامعه است.

جرم انگاری و کیفرگذاری (تعیین مجازاتها) ابزار اصلی سیاست گذاران در کنترل اجتماعی است، به علاوه آنکه گفتمان رسمی مراجع سیاستگذار نیز عمدتا مبتنی بر تهدید، ارباب و

استفاده از حداکثر ظرفیتهای کیفری در ایجاد ترس از ارتکاب جرم در میان افراد ناکرده بزه و ترس از تکرار ارتکاب جرم در میان بزهکاران بالقوه است (غلامی، ۱۳۹۱، ص ۴۲)

طی سالهای اخیر، یک روند جرم انگارانه وسیع همراه با مجازاتهای تند و سختگیرانه، نسبت به برخی از جرایم علیه امنیت و نظم عمومی در ایران وجود داشته است که موارد متعدد این جرم انگاریها را می توان در قانون مجازات اسلامی دید (شمس ناتری، جاهد، ۱۳۸۷، ص ۹۹) برای نمونه مقنن در ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ عنوان مجرمانه جدیدی با عنوان «بغی» را برای اولین بار و به عنوان جرم امنیتی مستوجب حد و اعدام پیش بینی کرده است. این درحالی است که در هیچ کدام از نوشته های فقهی نشانی از بغی به عنوان جرم مستوجب حد دیده نمی شود. (مهدوی پور، شهرانی کرانی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۵)

۲- علل جرم انگاری امنیت مدار

عوامل متعددی در شکل گیری حقوق کیفری مدرن نقش داشته اند:

۲-۱- دلیل سیاسی

دولتها متولی امنیت هستند. حق بر امنیت یکی از حقوق بشری است که شهروندان آن را مطالبه می کنند و لذا حق امنیت. دولتها را مکلف می کند که امنیت جهانی، مالی و حیثیتی شهروندان را تضمین نمایند. لذا دولتها بیش از پیش خود را مکلف به تامین امنیت می دانند چنانکه در نظامهای مردم سالار که بر اساس انتخابات، اعضای حکومت از بالا تا پایین به طور ادواری تغییر می کنند، گفتمان امنیتی گاه رأی آور است و مصرف سیاسی دارد. وعده تامین امنیت به یک راه جلب رأی مردم تبدیل شده است. امنیت مقوله ای حقوق بشری و در عین حال سیاسی است. با توجه به اینکه از یکسو، جرایم مشی در حال رشد هستند و از سوی دیگر، شکل گیری جرایم تروریستی که جرایم بدون مرز هستند و احساس ترس از جرم را در میان مردم افزایش می دهند، مردم بیش از پیش از دولتها مطالبات در مقوله امنیت دارند. (نجفی ابرنابادی، ۱۳۸۳-۱۳۸۴، ص ۲۱۰۱؛ جعفری، ۱۳۸۷، ص ۳۸)

۲-۲- دلیل اقتصادی

بزهکاری بویژه از نوع سازمان یافته آن بیش از پیش بودجه کشور را به خود اختصاص داده و دولتها را از درآمد هنگفتی محروم می کند و همزمان نیروی زیادی برای مبارزه با آن لازم است. صرف هزینه زیاد برای اصلاح این مجرمین - بدلیل عدم امید به اصلاح آنها به صلاح یا متناسب با امکانات موجود دانسته نمی شود، لذا طرد آنان به عنوان راه چاره مطرح می شود. (نجفی ابرنابادی، ۱۳۸۳-۱۳۸۴، ص ۲۱۰۲؛ جعفری، ۱۳۸۷، ص ۳۸)

۲-۳- دلیل جرم‌شناسی

نسل جدید بزهکاران یعنی مجرمین سازمان یافته و تروریست‌ها فقط دنبال کسب مال و ثروت نیستند بلکه ارتکاب جرم توسط آنها گاه نفی و انگار نظم سیاسی موجود است. آنان با نظم موجود در کشور - حتی در یک قاره یا در دنیا - مخالفت می‌ورزند. پس این یک مبارزه مجرمانه سیاسی است. در چنین شرایطی بزهکاران خود را آشکارا از جامعه جدا می‌کنند. (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۳-۱۳۸۴، ص ۲۱۰۲؛ جعفری، ۱۳۸۷، ص ۳۸)

۲-۴- جرم انگاری جرائم غیر عمدی جرائم علیه امنیت

در میان حقوقدانان این دیدگاه مشهور است که اصل بر عمدی بودن جرایم است و در صورتیکه عنوان شک نماییم که آیا برای عملی عنوان غیر عمدی نیز در نظر گرفته شده یا خیر بایستی قاتل به عدم جرم انگاری شویم، چنانچه ما قتل عمد و غیر عمد داریم، ولی آیا تحریک غیر عمدی نیز داریم، بایستی حقوق افراد را در پرتو اصل برائت رعایت نماییم، اما مسئله در جرایم امنیتی خارج از قاعده ی بالاست و مقنن در مواردی به گسترش مصادیق غیر عمدی پرداخته است (کوشکی، عزیزاده سرشت، ۱۳۹۴، ص ۱۰۹)

بر مبنای قاعده کلی جرایم صرفاً در حالت عمدی قابل مجازات بوده و صورت غیر عمدی آنها علی‌الاصول قابل مجازات نیستند. با این وجود در جرایم بسیار مهم سیاست کیفری کشورها تمایل به قابل مجازات دانستن حتی حالت غیر عمد آنها داشته است. نکته مهم در این زمینه آن است که تاکنون اگر این جرایم مهم منحصر در جرم قتل بوده لیکن سمت و سوی فعلی سیاست کیفری کشورها متمایل به برخی جرایم علیه امنیت کشور شده است، توضیح آن که برای مثال به دلیل اهمیت حفظ اطلاعات دارای اهمیت و ضررهایی که در اثر بی‌مبالاتی مسئولان مربوطه و عدم حفاظت بهینه از منافع اساسی ملت در زمینه‌های مختلف ممکن است محقق شود، قانون جزای فرانسه در ماده ۱۰-۴۱۳، بی‌مبالاتی منتهی شدن به آشکار شدن اسرار دفاعی کشور را قابل مجازات دانسته است. نکته مهم در ماده فوق آن است که اولاً هر فردی که خواه دولت و یا به دلیل حرفه و شغل خود امین دانسته شود مشمول جرم فوق می‌گردد و ثانیاً هر گونه بی‌مبالاتی که منجر به افشاء گم کردن و از دست دادن اطلاعات شود مشمول مجازات خواهد بود. رویکردی که در حقوق ایران در حال حاضر به دلیل به کارگیری قیود متعدد «مامورین دولتی»، «تخلیه اطلاعاتی» و نیز «دشمن» در ماده ۵۰۶ قانون تعزیرات^۱ امکان پذیر نمی‌باشد. مهم در

۱. ماده ۵۰۶ - چنانچه مأمورین دولتی که مسوول امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه‌بندی شده میباشند و به آنها آموزش لازم داده شده است در اثر بی‌مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی توسط دشمنان تخلیه اطلاعاتی شوند به یک تا شش ماه حبس محکوم می‌شوند

این زمینه آن است که سیاست کیفری کشورها در جهت سیاست توسعه بخشی دامنه جرم انگاری، غیر عمدی بودن برخی جرائم علیه امنیت را نیز قابل مجازات دانسته است. (مجیدی، ۱۳۹۶، ص ۲۷۵)

در سایر قوانین می توان رد پای جرم انگاری جرایم غیر عمدی علیه امنیت را یافت. به عنوان مثال می توان به مواد زیر اشاره کرد:

- مواد ۲۷ و ۲۸ قانون مجازات نیروهای مسلح^۱ مصوب سال ۱۳۸۲ (راجع به بی مبالاتی در تخلیه ی اطلاعاتی)

- ماده ی ۸ قانون اخلاگران در صنایع نفت ایران^۲ ۱۳۳۶ اشاره نمود.

۲-۵- بررسی تحولات تقنینی بزه تبانی (از جرم انگاری پیشنهادهای تبانی تا تفکیک تبانی امنیتی و غیر امنیتی)

منظور از تبانی، «توافق بین دو یا چند نفر برای ارتکاب جرم» می باشد. علی رغم این که این جرم را می توان یک «جرم ناتمام» نامید، زیرا توافق کنندگان به منظور و هدف مورد نظر خود نرسیده اند، لیکن مجازات کردن تبانی به معنی مجازات کردن اندیشه مجرمانه صرف نمی باشد، زیرا عنصر مادی جرم با حصول توافق تحقق یافته است.

در پاسخ به این سؤال که چرا صرف تبانی قابل مجازات است (در حالی که در شروع به جرم نه تنها قصد و تصمیم گرفتن برای ارتکاب جرم قابل مجازات نیست، بلکه انجام اقدامات مقدماتی نیز، به موجب ماده ۱۲۳ «قانون مجازات اسلامی»، مصوب سال ۱۳۹۲، قابل مجازات نمی باشد) معمولاً به این واقعیت اشاره می شود که در تبانی بیش از یک نفر دخالت دارند و همه ما می توانیم از تجارب روزمره خود دریابیم که گاه حاضر به انجام کارهای مخاطره

۱. ماده ۲۸ - هر نظامی که پس از آموزش لازم درمورد حفظ اطلاعات طبقه بندی شده، در اثر بی مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی، توسط دشمنان و یا بیگانگان تخلیه اطلاعاتی شود، به یک تا شش ماه حبس محکوم می گردد.
ماده ۲۹ - هرگاه تخلف و سرپیچی از تکالیف نظامی سبب تسلط دشمن بر اراضی یا مواضع یا افراد خودی شود، مرتکب به مجازات محارب محکوم می گردد.

۲. ماده ۸ - هر کس یکی از اعمال مذکور در مواد ۱ و ۲ را بدون سوء قصد ولی بر اثر بی مبالاتی یا غفلت مرتکب شود چنانچه عمل ارتكابی موجب هلاک نفس شود محکوم به یکسال الی سه سال حبس تأدیبی و در صورتی که موجب تخریب یا تعطیل قسمتی از مراکز عملیات صنایع شود محکوم به شش ماه تا دو سال حبس تأدیبی خواهد شد چنانچه بی مبالاتی یا غفلت موجب خرابی هر گونه اشیاء و آلات و ادوات متعلق به صنایع نفت بشود مرتکب محکوم به حبس تأدیبی از یک ماه تا شش ماه و نیز جبران خسارتی که از عمل او ناشی شده خواهد گردید.

تبصره: منظور از بی مبالاتی اقدام به امری است که مرتکب نمی بایست به آن مبادرت نموده باشد و منظور از غفلت خودداری از امری است که مرتکب می بایست به آن اقدام نموده باشد اعم از این که منشأ بی مبالاتی یا غفلت عدم اطلاع و عدم مهارت یا عدم تجربه یا عدم رعایت قانون یا مقررات یا اوامر یا نظامات و یا عرف و عادت باشد.

آمیزی با پشتیبانی یک شخص دیگر می‌باشیم، در حالی که چه بسا خود به تنهایی جرأت و جسارت انجام آن کارها را نداشته باشیم. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۰، ص ۳۹) به علاوه واقعیت که تبنانی برای ارتکاب جرم گاه در جرایم سازمان یافته و از شبکه‌های مجرمانه انجام می‌شود، لزوم برخورد سریعتر و شدیدتر با تبنانی کنندگان را آشکار می‌سازد. بدین ترتیب، در راستای حفاظت از جامعه در قبال جرمی که اولاً امکان تحقق آن زیاد است، و ثانیاً، در صورت تحقق یافتن، خطرات و زیانهای بیشتری را به وجود می‌آورد، دخالت زودهنگام مراجع مربوط برای نابود کردن تبنانی در نطفه ضروری به نظر می‌رسد. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴، ص ۲۴۸-۳۴۹)

در زمینه وجود تحولات تقنینی در ارتباط با شرایط و ارکان جرم تبنانی، حقوق کیفری ایران و فرانسه وجه تشابه زیادی دارند. دست یافتن به این وجوه تشابه، تنها پس از بررسی تحولات گوناگون حاکم بر این جرم در حقوق کیفری ایران و فرانسه امکان پذیر می‌باشد. در ارتباط با حقوق کیفری ایران باید در ابتدا به ماده ۷۴ ق.م.ع. مصوب ۱۳۰۴ اشاره نمود که تمامی مختصات و ویژگی‌های آن، در دوره‌های بعدی قانونگذاری از بین رفت. ماده مزبور در این رابطه مقرر می‌نمود: «هرگاه جماعتی در خفا برای ارتکاب جنایات مذکوره در ماده ۷۰، دسته بندی و تصمیم کنند، جزای آنها حبس تأدیبی از یک الی سه سال است و اگر هنوز شروع به اجرای مقصود نکرده و عملی از آنها سر نزده باشد جزای آنها حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال است و اگر کسی دعوت به اجتماع مذکوره کرده ولی دعوت او به اجابت نرسیده است، جزای او حبس تأدیبی از یک الی شش ماه خواهد بود».

موضوع تبنانی مطابق با ماده ۷۲ ق.م.ع. مصوب ۱۳۰۴ محدود به تحریک مردم به قتل و غارت بود پس از پیروزی انقلاب، قانونگذار در ماده ۸۸ ق.ت. ۱۳۶۲ به تبیین این جرم پرداخت. گسترش موضوع تبنانی بر اساس قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲، از جمله سیاست‌های کیفری بود که قانونگذار در زمینه تدوین مقررات ناظر بر جرائم علیه امنیت بعد از پیروزی انقلاب پیگیری نمود. اما اعمال سیاست کیفری جرم زدایی نسبت به ارتکاب عمل ارائه پیشنهاد تبنانی توانست تحولاتی را در مقررات مرتبط با این جرم در سال ۱۳۷۵ ایجاد نمود. از اینرو قانونگذار مقررات مربوط به این جرم را به شرح ذیل، مقرر شد:

ماده ۶۱۰ ق.م. : «هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبنانی نمایند که جرائمی بر ضد امنیت داخلی یا خارجی کشور مرتکب شوند یا وسایل ارتکاب آن را فراهم نمایند در صورتی که عنوان محارب بر آنان صادق نباشد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهند شد».

ماده ۶۱۱ ق.م. : «هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبنانی نمایند که علیه اعراض یا نفوس یا اموال مردم اقدام نمایند و مقدمات اجرایی را هم تدارک دیده باشند ولی بدون اراده خود موفق به اقدام نشوند حسب مراتب به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد».

تفکیک عنصر قانونی تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت کشور از انجام تبانی برای ارتکاب جرائم غیر امنیتی، اولین تغییری می باشد که قانونگذار در سال ۱۳۷۵ اعمال نموده است. از این رو می توان اقدام قانونگذار جهت جرم زدایی از انجام تبانی برای ارتکاب جرائم علیه اموال، أعراض و نفوس مردم بدون انجام اعمال مقدماتی را گامی به جلو در جهت حفظ و مراقبت از قاعده عدم مجازات اندیشه مجرمانه تحلیل نمود.

در قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ در زمینه جرم تبانی تغییر مهمی در رابطه با تعیین مجازات های قانونی این جرم صورت گرفت. قانون تعزیرات جدید، احتمال تحقق عنوان مجرمانه محاربه و افساد فی الارض را تنها در ارتباط با انجام تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت کشور مطرح نمود و در کنار آن، مجازات سالب آزادی را هم با توجه به موضوع تبانی، متفاوت دانست. از این رو مجازات حبس تبانی علیه امنیت کشور را دو تا پنج سال و برای تبانی علیه اموال، نفوس و أعراض مردم، مجازات شش ماه تا سه سال حبس را تعیین نموده است.

مقایسه رکن قانونی بزه تبانی در قوانین و مقررات قبل و پس از انقلاب نشان دهنده آن است که موضوع تبانی در قوانین پس از انقلاب، توسعه پیدا کرده است. این توسعه می تواند در بر گیرنده کلیه جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی، از جمله تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت دولت (حکومت) باشد. در مقابل بر اساس موازین قانونی بعد از انقلاب باید بر این اعتقاد بود که تا زمانی که مرتکبین به توافق مجرمانه قطعی و حتمی دست نیابد نباید آنها را برخلاف ماده ۷۴ ق.م.ع. که پیشنهاد تبانی هم مشمول جرم انگاری بود قابل مجازات بدانند.

۲-۶- ابهامات تقنینی در جرائم علیه امنیت

دو مقوله محاربه و افساد فی الارض از عناوین فقهی هستند که پس از انقلاب اسلامی، به اقتضای اصل چهارم قانون اساسی وارد قوانین جزایی ایران شدند. این دو عنوان مجرمانه از عناوین بحث برانگیز و مناقشه آمیز بوده و در ارتباط با ماهیت و عناصر متشکله آنها میان فقها و حتی حقوقدانان اختلاف نظر قابل ملاحظه دیده می شود. در قوانین پس از انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۲، مقنن ایرانی غالباً مفاهیم محاربه و افساد فی الارض را با یکدیگر به کار می برد و در مواردی هم که افساد فی الارض را جداگانه استعمال می کرد. در صدد بود تا همان حکم محارب را درباره آن جاری سازد. (میرمحمدصادقی، رحمتی، ۱۳۹۴، ص ۱۷)

بررسی عناوین محاربه و افساد فی الارض در تحولات تقنینی پس از انقلاب اسلامی نشان می دهد که عناوین مزبور، به تدریج توسعه زیادی پیدا کرده اند. محاربه و افساد فی الارض از معدود عناوینی هستند که در دهه های اخیر تا این اندازه بسط مفهومی یافته اند. محاربه که در متون فقهی و نظرات اکثر فقها، محدود به شکل خاصی از جرائم علیه امنیت بوده، در سیاست کیفری قانون گذار چنان توسعه یافته است که جرائم مختلف و متعددی در زمینه های اقتصادی،

اجتماعی، فرهنگی و غیره را شامل می‌شود. به بیان دیگر، اگرچه علی‌الظاهر به نظر می‌رسد در ابتدا فلسفه جرم‌انگاری محاربه و افساد فی‌الأرض، برقراری امنیت عمومی برای مردم بوده است (با توجه به استفاده از ضابطه «دست به اسلحه بردن» در تعریف این عناوین) اما در حال حاضر، به جهت حفظ اقتدار ملی و ثبات سیاسی، این عناوین شامل جرائم علیه امنیت دولت و حقوق حاکمیت نیز می‌شوند. نگاهی به قوانین و مقررات موجود نشان می‌دهد که بخش عمده موارد استفاده قانون‌گذار از عناوین محاربه و افساد فی‌الأرض، مواردی است که ضرر و زیان و صدمه‌ای متوجه حقوق حاکمیت می‌گردد. (میرمحمدصادقی، رحمتی، ۱۳۹۴، ص ۱۸)

قانون‌گذار ایران، در برخی از قوانین پس از انقلاب، برای اعمالی مجازات اعدام تعیین کرده است که در آنها به هیچ وجه ضابطه دست به سلاح بردن با سلاح کشیدن دیده نمی‌شود. ضمن اینکه مجازات اعدام پیش‌بینی شده در قوانین مورد اشاره جز از باب افساد فی‌الأرض قابل توجیه نمی‌باشد، چون نه با هیچ یک از حدود دیگر سنخیت دارد و نه می‌توان آن را تعزیر (که لاجرم باید دون‌الحد باشد) تلقی کرد. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴، ص ۶۱)

بدین ترتیب، در حقوق کیفری ایران، در موارد متعددی قانون‌گذار برای صدق عنوان محاربه یا افساد فی‌الأرض، بیش از آنکه به ضابطه است به اسلحه بردن توجه داشته باشد. به قصد مرتکب دایر بر مقابله و معارضة با نظام و یا آثار ناشی از اعمال وی در ضربه زدن به نظام توجه داشته است و به عبارت دیگر، یکی از دو ضابطه عینی^۱ یا نوعی و ذهنی^۲ و شخصی^۳ در

۱. بر مبنای این ضابطه نتیجه‌ی عمل ارتكابی مورد مذاقه قرار می‌گیرد به تعبیر دیگر هرگاه رفتار بزهکار به سازمان و شیوه‌ی کار قوای عمومی اعم از منافع سیاسی دولت و حقوق سیاسی شهروندان آسیب و گزند می‌آورد کند سیاسی است. اگر ضابطه‌ی فوق را در جرایم امنیتی مندرج در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی با عنوان جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی اعمال کنیم بسیاری از جرایم این بخش مانند تشکیل دسته یا جمعیت باهدف برهم زدن امنیت کشور (ماده ۴۹۸) جاسوسی به نحوی که به امنیت ملی صدمه وارد آورد (ماده ۵۰۲) همکاری با دول خارجی متخاصم علیه جمهوری اسلامی ایران (ماده ۵۰۸) و بسیاری از جرائمی که برهم زدن نظم حاکمیت را نشانه گرفته اند، باید سیاسی تلقی و از اعداد جرایم امنیتی خارج شود (کوشکی، علیزاده سرشت، ۱۳۹۴، ص ۱۱۳)

۲. در این نظریه به داعی و قصد شخص توجه میشود، این توجه به انگیزه و قصد سبب می‌گردد تا کسانی که با اغراض سیاسی و بدون توجه به منافع شخصی مبادرت به ارتكاب جرم می‌نمایند باز شناخته شوند، ولی ایراد عمده‌ای که بر این دیدگاه وارد است، گسترش دایره‌ی شمول جرایم سیاسی که جرم مرکب و مرتبط را نیز در برمی‌گیرد، اما «امروزه بیشتر رفتارهای خشن خصوصاً جرایم علیه افراد بیگناه به بهانه‌های سیاسی از قلمرو جرم سیاسی حذف شده است» (کوشکی، علیزاده سرشت، ۱۳۹۴، ص ۱۱۳)

۳. برای مثال، می‌توان به مواردی چون ایجاد کردن مراکز فساد و فحشا در صورتی که سببیت برای فساد عامه داشته باشد (ماده ۱۰۳ قانون تعزیرات مصوب کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۲)، گران فروشی، کم فروشی یا عرضه نان نامرغوب و خودداری از عرضه کالا یا از دادن فاکتور به قصد مقابله با حکومت (مواد ۵ و ۶ قانون

لطمه زدن به نظام را برای تشخیص عنوان محاربه به کار برده است»^۱ (مجیدی، ۱۳۹۳، ص ۲۱) حتی برای اعمال چنین ضابطه‌هایی و با شمول موارد این چنینی (غیر از دست به اسلحه بردن) به عنوان محاربه، لازم است در راستای اصل قانونی بودن جرم و مجازاتها قانون گذار رفتارهایی را که در حکم محاربه هستند از پیش مشخص کند. قانونگذار ایران در قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۹۲ نه تنها به این موارد توجه نداشته، بلکه با تفکیک عنوان افساد فی الارض از محاربه و ارائه تعریف گسترده‌ای از افساد فی الارض (در ماده ۲۸۶)^۲ به ایرادات فوق افزوده است.

تشدید مجازات محترمان و گران‌فروشان، مصوب سال ۱۳۶۷) عبور دادن افراد از مرز در صورتی که این عمل مخل امنیت عمومی باشد (ماده ۱ قانون مجازات عبور دهندگان از مرز مصوب سال ۱۳۶۷)، ارتکاب ارتشا، اختلاس، کلاهبرداری با تشکیل و رهبری شبکه چند نفره (ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب سال ۱۳۶۷)، خرید، فروش نگهداری، حمل یا قاچاق مواد مخدر در سطح گسترده و یا باعث اعتیاد افراد در بیش از یک مورد شدن (مواد ۱۸، ۹، ۱۱، قانون مبارزه با مواد مخدر، مصوب سال ۱۳۶۷)، جعل، توزیع یا وارد کردن اسکناس رایج داخلی به قصد مبارزه با نظام یا توسط عضوی از یک شبکه مجرمانه (ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و واردکنندگان توزیع کنندگان و مصرف کنندگان اسکناس مجعول، مصوب سال ۱۳۶۸)، اخلال در نظام تولید، توزیع، صادرات یا پولی از طریق کارهایی مثل قاچاق ارز، احتکار و گران‌فروشی، رشاء و ارتشا خارج کردن میراث فرهنگی از کشوره حیف ومیل کلان اموال مردم با تأسیس شرکت‌های مضاربه‌ای و مانند آن، تقلب در پیمان‌آرزی و غیره (مواد ۱ و ۲ قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور، مصوب سال ۱۳۶۹) اشاره کرد. همچنین، قانونی که بیش از همه به محاربه و افساد فی الارض اشاره کرده، قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، مصوب سال ۱۳۸۲ است، مطابق با این قانون، اعمالی مثل برنامه ریزی با تشکیل جمعیت به منظور براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران (ماده ۱۷)، اقدام برای جدا کردن قسمتی از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران یا لطمه وارد کردن به تمامیت ارضی با استقلال کشور (ماده ۲۰)، دادن اسرار کشور به دشمن یا بیگانه (ماده ۲۴. بند ج) پناه دادن جاسوسان (تبصره ۲ ماده ۲۴)، تخلف از تکالیف نظامی (ماده ۲۹). انعقاد قرارداد تسلیم با دشمن (ماده ۳۱)، ادامه جنگ پس از دریافت دستور توقف عملیات (ماده ۳۵)، خودداری از رفتن به مأموریت (ماده ۴۲)، ترک محل نگهداری (ماده ۴۳) وارد کردن صدمه بدنی به خود برای فرار از کار (ماده ۵۱)، غیبت با فرار (مواد ۶۱ الی ۶۵) در حکم افساد فی الارض و مجازات آنها اعدام است.

۱. برای مثال، می‌توان به مواردی چون برنامه ریزی با تشکیل جمعیت به منظور براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران، اقدام برای جدا کردن قسمتی از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران یا لطمه وارد کردن به تمامیت ارضی با استقلال کشور دادن اسرار کشور به دشمن یا بیگانه، پناه دادن به جاسوسان، تخلف از تکالیف نظامی و غیره در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، مصوب سال ۱۳۸۲ اشاره کرد.

۲. ماده مذکور اشعار می‌دارد: «هر کس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا با معاونت در آنها گردد به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، نامنی با ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد، مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.

چنین عنوان مجرمانه مستقلی و با چنین شرایطی برای نخستین بار در نظام کیفری ما مورد پیش بینی قرار گرفته است. با توجه به متن ماده مذکور، مشخص می شود که دامنه این جرم بسیار گسترده است و بسیاری از مجرمان را می توان تحت شمول آن قرار داده مفسد فی الارض اعلام و در نتیجه به مجازات اعدام محکوم کرد. به ویژه از آن رو که واژه های گسترده، شدید، عمده و وسیع که در ماده به کار رفته اند، تعریف دقیق و روشنی ندارند و هر قاضی ممکن است تعریف خاص خود را از آنها ارائه دهد. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴، ص ۶۳)

چنانچه برای قاضی چنین اختیار و نقشی قائل باشیم بر خلاف اصل تفکیک قوا و اصل قانونی بودن جرم و مجازات ها عمل کرده ایم که ناصحیح و غیر معقولانه بودن چنین روشی واضح و مبرهن است. بدیهی است چنین شیوه قانون نویسی، دست قضات را برای اعمال سلاقی شخصی باز می گذارد و امکان نقض حقوق شهروندی و آزادی های مشروع افراد را افزایش می دهد. این در حالی است که تردیدی وجود ندارد که قوانین کیفری به دلیل حساسیت و اهمیت ویژه ای که دارند، باید روشن و بدون ابهام نوشته شوند و این وظیفه در مواردی که با مجازات سنگینی مثل اعدام مواجه می باشیم، طبعاً مضاعف می شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴، ص ۶۳)

یکی دیگر از جرائم علیه امنیت که در قوانین جزایی پس از انقلاب ضابطه مشخصی نداشته و دچار تغییر و تحول زیادی شده، جرم بغی است، توضیح آنکه قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰. دو عنوان محاربه و بغی را به نوعی با یکدیگر خلط کرده بود و برای مرتکبان جرائم مذکور در مواد ۱۸۶، ۱۸۷ و ۱۸۸ که به ترتیب به قیام مسلحانه در برابر حکومت اسلامی، ریختن طرح براندازی حکومت اسلامی و تهیه اسلحه و مواد منفجره برای این منظور یا ارائه امکانات مالی موثر به طراحان و نیز نامزد شدن برای یکی از پست های حساس حکومت کودتا مربوط بود، مجازات محاربه را پیش بینی کرده بود؛ اما قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۹۲، با حذف این مواد بغی را به عنوان یکی از مصادیق جرائم مستوجب حد، در ماده ۲۸۷ مورد حکم قرار داده است، به نظر می رسد موضع قانون گذار در قانون اخیرالذکر مقرون به صواب باشد، زیرا این اعمال، به دلیل اینکه علیه حکومت انجام می شوند، با عنوان مجرمانه بغی سازگارتر هستند. در واقع، محاربه یک جرم علیه امنیت و بغی یک جرم علیه حکومت است، البته ذکر این نکته هم ضروری است که حتی در اصل جرم انگاری بغی هم میان فقها و حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. (میرمحمدصادقی، رحمتی، ۱۳۹۴، ص ۳۰)

مطالعه سیاست کیفری ایران در قبال جرم جاسوسی نشان می دهد که قانونگذار در زمینه مهمترین مسائل مربوط به این جرم غیرشفاف و مبهم عمل می نماید. سیاستی که منجر به بروز اختلاف در حیطة و شمول این جرم در میان جامعه حقوقی کشور می شود. اختلافهای نظری که به علت این ابهامات در میان حقوقدانان و رویه قضایی وجود دارد، تنها محدود به یک دسته از

موضوعات جزئی نمی باشد، بلکه پیرامون مصادیق جاسوسی و یا ارکان مادی و معنوی آن هم اختلافات نظرهای متعددی وجود دارد. رویکردهای گوناگونی که جایگاه اصل کیفی بودن قوانین کیفری (لزوم صراحت و شفافیت متون قانونی) را در مورد این جرم مهم به خطر می اندازد. نخستین اختلاف محوری مربوط به مصادیق جاسوسی در حقوق کیفری ایران می باشد. از آنجاکه قانونگذار هیچ گونه تقسیم بندی در زمینه مقررات مربوط به جرائم علیه امنیت را مطرح نکرده، در مورد برخی از جرائم علیه امنیت همواره این پرسش مطرح می شود که آیا این موارد به عنوان مصداقی از جرائم جاسوسی قابل پذیرش می باشند یا خیر؟ به این دلیل می باشد که برخی از حقوقدانان ایرانی همکاری با دول خارجی متخاصم (موضوع ماده ۵۰۸ ق.م.ا) را - به تبعیت از مصادیق پذیرفته شده جاسوسی از طرف قوانین جزایی کشورهای دیگر مصداقی از جاسوسی در حقوق کیفری ایران می دانند و برخی دیگر از حقوقدانان، بزه مزبور را تنها به عنوان یکی از جرائم علیه امنیت مطرح نموده اند (مجیدی، ۱۳۹۹، ص ۲۵۵)

در حقوق کیفری ایران در رابطه با شمول موضوعات جاسوسی هم وحدت نظری وجود ندارد. عده ای از حقوقدانان مقصود از «اسرار مربوط به سیاست داخلی و خارجی کشور» (مذکور در ماده ۵۰۱ ق.م.ا) را در بر گیرنده کلیه ی اسرار محرمانه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می دانند و عده ای دیگر آن را محدود به اسرار سیاسی و نظامی تفسیر نموده اند افزون بر این، به علت ابهامات موجود، عده ای از نویسندگان پاره ای از جرائم مرتبط با جاسوسی مانند اخفا یا سبب اخفا شدن جاسوسی را هم به عنوان مصداقی از جاسوسی در حقوق کیفری ایران مطرح نموده اند (مجیدی، ۱۳۹۹، ص ۲۵۵)

سیاست کیفری ایران در رابطه با نحوه تفکیک جرم جاسوسی از خیانت به کشور هم با عدم شفافیت مواجه است. در صورتی که عده ای از نویسندگان حقوقی به علت عدم اشاره قانونگذار به عنوان مجرمانه خیانت به کشور، وجود چنین عنوان مجرمانه ای را در قلمرو جرائم علیه امنیت ممکن نمی دانند. عده ای دیگر از حقوقدانان مصادیق گوناگونی از جرائم علیه امنیت همانند طرح براندازی، همکاری با دشمن متخاصم و نیز تسلیم اسرار به نیروهای خارجی را از مصادیق قانونی خیانت به کشور تشخیص داده اند با توجه به ابهامات فوق به نظر ضروری می رسد قانونگذار در راستای اعمال سیاست کیفری شفاف و صریح و نیز جهت رعایت اصل قانونمندی جرائم و مجازاتها، برخی اقدامات تقنینی را انجام بدهد. (مجیدی، ۱۳۹۹، ص ۲۵۵)

۲-۷- تحولات حقوق کیفری ایران پس پیروزی از انقلاب اسلامی

در نظام حقوقی ایران از ابتدای تصویب مقررات کیفری شکلی سیاست اعمال تضمینات دادرسی به لحاظ قانونی و رویه قضایی، با موانع متعدد و محدودیت های غیر قابل توجیهی روبرو بوده و این روند کم و بیش ادامه دارد. از جمله ی تضمینات دادرسی می توان به حضور وکیل و

مداخله وی در مرحله تحقیقات اشاره کرد. روند تحول حق برخورداری متهم از وکیل در جریان تحقیقات مقدماتی - که یکی از اصول دادرسی عادلانه و برقراری تساوی سلاح ها به شمار می‌رود- در نظام حقوقی ایران تا حدی شگفت انگیز بوده است. در متن اولیه قانون آیین دادرسی کیفری، حکم صریحی درباره دخالت وکیل متهم در جریان تحقیقات مقدماتی دیده نمی شود. ولی پس از آن در سال ۱۳۳۵ تبصره ای به ماده ۱۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری اولیه افزود که ضمن آن به متهم این اختیار داده شد که وی بتواند یک نفر از وکلای رسمی دادگستری را بدون آن که - وی بتواند در امر تحقیق مداخله کند- به همراه خود داشته باشد، و او (وکیل) تنها مجاز به «ارائه تذکر به بازپرس» آن هم «پس از خاتمه بازجویی...» دانسته بود. (خالقی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۴)

«قانون تعزیرات»، مصوب سال ۱۳۶۲، از ماده ۱۶ (پس از اتمام جرایم علیه امنیت) به جرایم ضد آسایش عمومی می پرداخت، و از این نکته که عنوان ذکر شده در بالای ماده ۸۴ «جرایم نسبت به مأمورین دولت» بود می توانستیم استنباط کنیم که جرایم ضد آسایش عمومی مجموعه جرایم مطروحه از ماده ۱۶ الی ماده ۸۳ «قانون تعزیرات» می باشند، این جرایم عبارت بودند از قلب سکه، جعل و تزویر، محو یا شکستن مهر و سرقت نوشتجات از اماکن دولتی، فرار محبوسین قانونی و اخفاء مقصرین، غضب عناوین و مشاغل، تخریب اموال دولتی، تقصیرات وزرا و مامورین دولتی، امتناع از انجام وظایف قانونی و تعدیات مأمورین دولتی نسبت به دولت.

با این حال، با توجه به فقدان فصل بندی کامل و صحیحی در «قانون تعزیرات» مصوب ۱۳۶۲ این امکان وجود داشت که در درک صحیح و دقیق فهرست جرایم علیه آسایش عمومی مشکل و اختلاف نظر بروز کند که البته این امری کاملاً معمول است، زیرا تقسیم بندی ها عمدتاً بر حسب سلیقه و ذوق اشخاص و گاهی هم به اشتباه انجام می گیرند و نمی توان برای آنها منطق قطعی پیدا کرد. حتی «قانون تعزیرات»، مصوب سال ۱۳۷۵، در برخی از فصل ها، از جمله در فصل پنجم راجع به جعل و تزویر، جرایمی را ذکر کرده که با عنوان فصل، هماهنگی و مطابقت ندارد. در هر حال، شاید برای پرهیز از همین مشکلات اختلاف نظرها بوده است که «قانون تعزیرات»، مصوب سال ۱۳۷۵، اساساً متعرض عنوان «جرایم علیه آسایش عمومی» نشده و هر یک از جرایم فوق الاشعار را در مربوط به خود بررسی کرده است، بدون این که مجموع آنها را تحت عنوان کلی و ضد آسایش عمومی قرار دهد.

در مورد جرایم علیه امنیت کشور» نیز «قانون تعزیرات»، مصوب سال ۱۳۷۵، آنها را ذیل دو سرفصل مجزا ذکر نکرده، بلکه فصل اول (مشمول بر ۱۵ ماده، یعنی از ماده ۴۹۸ الی ماده ۵۱۲) را مجموعاً زیر عنوان «جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور» ذکر کرده است. همین شیوه در «قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح»، مصوب سال ۱۳۸۲، در پیش گرفته شده است.

در قانون اخیرالذکر، مواد فصل دوم (از ماده ۱۷ الی ماده ۲۸) ذیل عنوان «جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی» ذکر شده اند، در حالی که قانون مجازات عمومی این جرایم را در دو مبحث تحت عنوان «جنحه و جنایات بر ضد امنیت خارجی مملکت»، (از ماده ۶۰ الی ماده ۶۸) و «جنحه و جنایت بر ضد امنیت داخلی مملکت» (از ماده ۶۹ به بعد) ذکر کرده بود، که این دو مبحث تحت فصل اول از باب دوم «قانون مجازات عمومی» ذکر شده بودند. «قانون تعزیرات»، مصوب سال ۱۳۶۲ همان نقص مذکور (یعنی نداشتن فصل بندی دقیق و منظم) طی ۹ ماده اول جرایمی که در «قانون مجازات عمومی» تحت عنوان «جرایم ضد امنیت خارجی که مورد اشاره قرار گرفته بودند اشاره می کرد، بدون آن که به این عنوان اشاره ای داشت باشد، و مواد ۱۰ الی ۱۵ را زیر عنوان «جرایم بر ضد امنیت داخلی مملکت» آورده بود

در هر حال، به نظر می رسد که پرهیز قانونگذار از تفکیک قائل شدن بین جرایم ضد امنیت داخلی و جرایم ضد امنیت خارجی به دلیل آن است که قرار دادن برخی از جرایم مورد بحث تحت هر یک از این دو عنوان ممکن است با شک و تردید مواجه شود، چون این دو ممکن است با یکدیگر همپوشانی هایی داشته باشند. حتی برخی اصل این تقسیم بندی را مورد تردید قرار داده و اظهار داشته اند که امنیت کشور یک واحد غیرقابل تجزیه می باشد، که ممکن است توسط اتباع کشور یا افراد خارجی مورد تهدید قرار گیرد. این امر نباید مجوزی برای تفکیک قائل شدن بین این جرایم باشد. البته شاید بتوان برای این تقسیم بندی، محمل معقولی یافت و آن این که برخی از جرایم پیش بینی شده در قانون با استقلال و تمامیت ارضی کشور برخورد دارند، مثل جاسوسی برای دشمن، تحریک نظامیان به فرار از مقابل دشمن، تسلیم شهر با هواپیما به دشمن، تنظیم قرارداد تسلیم با دشمن، همکاری با دولت خارجی متخاصم، اخفای جاسوسان دشمن و معرفی جاسوس به کشور بیگانه، که سه مورد اخیر در مواد ۵۰۸ و ۵۱۰ قانون تعزیرات، پیش بینی شده اند، و موارد پیشین در مواد مختلف قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، مصوب سال ۱۳۸۲، مورد اشاره قانونگذار قرار گرفته اند. از سوی دیگر، برخی از جرایم علیه امنیت، بدون برخورد با استقلال و تمامیت ارضی کشور، تنها به هرج و مرج و اغتشاش در داخل کشور می انجامند، مثل تحریک مردم به کشتار، موضوع ماده ۵۱۲ «قانون تعزیرات»، مصوب سال ۱۳۷۵. بدین ترتیب، می توان گفت که جرایم دسته اول جزء جرایم ضد امنیت خارجی، و جرایم دسته دوم جزء جرایم ضد امنیت داخلی کشور تلقی می گردند. در قوانین ایران گاه در متن مواد به اقدامات با جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور اشاره شده است. البته، امروزه در بسیاری از کشورها به جای تقسیم بندی امنیت به داخلی و خارجی آن را، با توجه به آنچه که منافع ملی، اقتضاء می کند، به انواعی مثل «امنیت سیاسی، امنیت نظامی، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی و ... تقسیم می کنند». (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴، ص ۱۹)

نتیجه گیری

نظام حقوق کیفری با هدف حفاظت و حمایت از ارزش‌های اساسی و مورد قبول جامعه با تبیین رفتارهای خلاف و معارض قواعد و هنجارها، اعمال مجرمانه و منحرفانه را تعیین و مشخص می‌نماید. سیاست جنایی هر جامعه می‌بایست برای جرم‌انگاری و خلاف قاعده دانستن اعمال و اقدامات افراد که تا پیش از این مباح تلقی می‌شدند، توجیه مناسب ارائه دهد. رسالت حقوق کیفری و اعمال و اجرای مجازات همواره در گرو جرم‌انگاری می‌باشد که اگر فرآیند جرم‌انگاری در چارچوب معقول و مورد قبول جامعه صورت بگیرد، می‌توان سیاست تقنینی کیفری را در راستای جرم‌انگاری، موفق ارزیابی نمود و همگان به این مسئله که حمایت کیفری از ارزش‌های مورد قبول آن‌ها، حمایتی شایسته و بایسته است، متفق‌القول می‌شوند. حال اگر عملکرد سیاست تقنینی یک جامعه تحت عنوان جرم‌انگاری، از حدود نرمال و متعارف خود خارج شود و دامنه مداخله و پیشروی حقوق کیفری را در قلمرو اعمال مباح افراد گسترش دهد و یا با محدود کردن منطقه آزاد رفتاری، سبب توسعه منطقه کنترل شده رفتاری شود، سخن از جرم‌انگاری حداکثری یا امنیت مدار پیش می‌آید. در حقوق جزا ما با دو نوع سیاست کیفری روبرو هستیم. از سویی سیاست کیفری عدالت محور (شهروند مدار) قرار دارد و از سویی دیگر و در مقابل آن، سیاست کیفری امنیت‌گرا (حداکثری، امنیت‌مدار، توسعه‌طلب) قرار دارد. در سیاست کیفری عدالت محور، اصل بر محدودیت قلمرو مسئولیت افراد و عدم مداخله در زندگی خصوصی آنان است و در سیاست کیفری امنیت‌گرا، که در چند دهه اخیر با مداخله روز افزون دولت‌ها در زندگی خصوصی افراد و گسترش مسئولیت فردی به منصف ظهور رسیده است؛ غایت ظاهری، حاکمیت امنیت به بهانه از بین رفتن و خدشه به حقوق بشر می‌باشد. سیاست تقنینی با توجه به دیدگاه امنیت‌گرایی، به کنترل گسترده رفتارهای اجتماعی از رهگذر جرم‌انگاری حداکثری می‌پردازد.

جرم‌انگاری حداکثری که از اصول راهبردی سیاست کیفری ایران در قلمرو جرائم علیه امنیت است از بررسی مقررات جزایی مربوطه به خوبی قابل استنباط می‌باشد. اهتمام ویژه قانونگذار به حفظ و تأمین ثبات سیاسی و تلاش در جهت استحکام بخشیدن به پایه‌های نظام سبب شده است تا از یک سو دامنه جرم‌انگاری در این جرائم تا مرحله اندیشه مجرمانه و اعمال مقدماتی پیش رود و از سوی دیگر عناوین مجرمانه پیشین نیز دچار تغییرات جدید گردند. توسعه در عناوین مجرمانه پیشین گاهی به کمک تغییر در اوصاف مجرمانه و در برخی موارد از طریق جرم‌انگاری‌های نوین محقق شده است.

پیشنهادها

- پیشنهاد می‌شود قانونگذار با توجه به مشکلات امنیتی کشور، اقدام به جرم‌انگاری‌های جدیدی در زمینه ی بزه جاسوسی نماید و در کنار آن با تکیه بر روش احصاء قانونی، صراحتاً مصادیق بزه جاسوسی را در متون قانونی اعلام نماید تا از بروز اختلاف نظر و دیدگاه‌های حقوقی در این باره بکاهد. پذیرش صریح نظریه «ملیت» در مقام تفکیک بزه جاسوسی از خیانت به کشور از سوی مقنن نیز می‌تواند به تقلیل ابهامات موجود کمک شایانی نماید.

- پیشنهاد می‌شود جهت تحقق سیاست کیفری سرکوبگرانه از سوی مقنن در قبال مرتکبین جرایم علیه امنیت، تغییرات مهمی رادر شیوه‌ی مبارزه در قبال این دسته از مجرمین را مورد نیاز دارد. بکارگیری از روش جرم‌انگاری مستقل معاونت در جاسوسی، در زمره‌ی یکی از این روش‌های کارآمد در مقابل مجرمین امنیتی است که غالباً این جرایم را به صورت بانندی و سازمان یافته مرتکب می‌شوند.

فهرست منابع

کتابها

۱. خالقی، علی، ۱۳۸۹، آیین دادرسی کیفری، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات شهر دانش
۲. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه دهخدا، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
۳. مجیدی، سید محمود، ۱۳۹۳، حقوق کیفری اختصاصی تطبیقی (جرایم علیه امنیت)، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
۴. مجیدی، سید محمود، ۱۳۹۹، جرایم علیه مصالح عمومی کشور- جزای اختصاصی ۲- چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۵. معین، محمد، ۱۳۵۳، فرهنگ فارسی معین، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر تهران.
۶. میر محمد صادقی، حسین؛ ۱۳۹۰، تحلیل مبانی حقوق جزای عمومی، چاپ دوم، تهران، نشر جنگل.
۷. میر محمد صادقی، حسین، ۱۳۹۴، حقوق کیفری اختصاصی (۳) جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ ۲۹، تهران، میزان.
۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۹۱، درباره امنیت شناسی (از حق بر امنیت تا حق بر تأمین)، دیپاچه، رضوانی، سودابه، مدیریت انسان مدار ریسک جرم، چاپ اول، تهران، نشر میزان
۹. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید، ۱۳۹۷، دانشنامه جرم شناسی، تهران، نشر میزان
۱۰. هوساگ، داگلاس، ۱۳۹۰، جرم انگاری افراطی، چاپ اول ترجمه محمد تقی نوری، تهران، مجد.

مقاله ها

۱۱. حبیب زاده، محمدجعفر، نجفی ابرندآبادی، علی حسین، کلانتری، کیومرث ۱۳۸۰، «تورم کیفری عوامل و پیامدها»، فصلنامه علمی پژوهشی مدرس، شماره ۴.
۱۲. شمس ناتری، محمدابراهیم، جاهد، محمدعلی، ۱۳۸۷، عوامل و نتایج تورم کیفری و راهکارهای مقابله با آن، فصلنامه فقه و حقوق، شماره ۱۷.
۱۳. غلامی، حسین، ۱۳۹۱، اصل حداقل بودن حقوق جزا، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۲
۱۴. قناد، فاطمه، اکبری، مسعود، ۱۳۹۶، امنیت گرای سیاست جنایی، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱۸.

۱۵. کوشکی، غلامحسین، علیزاده سرشت، نادر، ۱۳۹۴، نگاهی به قلمرو جرایم امنیتی در پرتو صلاحیت دادگاه انقلاب، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱۲.
۱۶. مجیدی، سید محمود، ۱۳۹۶، راهکارهای تامین جرم انگاری توسعه گرا در حقوق کیفری، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۱۰.
۱۷. مهدوی پور، اعظم، شهبزانی کرانی، نجمه، ۱۳۹۳، امنیتی شدن جرم‌شناسی راهبردها و آثار آن بر حقوق کیفری، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۱۰.
۱۸. میرمحمدصادقی، حسین، رحمتی، علی، ۱۳۹۴، مصادیق عدول از اصول کلی حقوقی کیفری در جرائم علیه امنیت، فصلنامه راهبرد، شماره ۷۶.

تقریرات

۱۹. جعفری، مجتبی، ۱۳۸۷، مختصر جرم‌شناسی، خلاصه مباحث جرم‌شناسی دکتر نجفی ابرندآبادی.
۲۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، سال تحصیلی ۱۳۸۳-۱۳۸۴، تقریرات جرم‌شناسی سیاست جنایی و تکنیک‌های حقوق کیفری، گردآوری توسط لیلا اسدی و بتول پاکزاد، نیمسال دوم دوره دکتری دانشگاه شهید بهشتی تهران.